



دوماهنامه‌ی ادبی- تربیتی- اجتماعی نبض حیات

با محوریت کانون قرآن و عترت

شماره یازدهم / بهار ۱۴۰۲ / پردیس زینبیه پیشوا

المعلم نور الحیات





فهرست:

سخن سردبیر	۱
اخبار پردیس زینبیه	۲
هنرمندی معلم یا هنر معلمی	۳
چرا خدا رو نمی‌بینیم؟	۶
تربیت دینی کودکان و نوجوانان	۱۰
نحوه تدریس دروس دینی	۱۴
چرا برخی دانش‌آموزان از مدرسه می‌ترسند؟	۱۶
معرفی فیلم انجمن شاعران مُرده	۱۸
از نامه‌ها، نامه اول	۱۹
روش‌های کسب درآمد از تدریس	۲۰
فرشته علم و آگاهی	۲۲
به رسم عاشقی	۲۳
مصاحبه ویژه روز معلم	۲۴



مهم‌ترین مرحله برای امر خطیر تربیت، خردسای است. حضرت امیر علیه السلام به همین نکته اشاره دارد، آنجا که به امام حسن علیه السلام می‌فرماید: « دل کودک، چون زمینی خالی است که هر بذری در آن پاشیده شود، می‌پذیرد؛ پس من پیش از آنکه قلبت سخت و فکرت به امور دیگر مشغول شود، به ادب و تربیت تو مبادرت ورزیدم.» کاملاً روشن است که هرگاه بتوانیم فرزندان امروز را خوب تربیت کنیم، در آینده‌ی نه چندان دور، شاهد جامعهای بالنده خواهیم بود.

پروردگار منار را سپاس که عنایتی فرمود تا بار دیگر با کوشش و همت اعضای پرتلاش نشریه و کاوش‌های علمی در این زمینه، آنگونه که شایسته است، این شماره نیز مجالی برای ارائه پیدا کرده که توجه به عناوین آن می‌تواند مواجهه با این چالش‌ها را به کلی دگرگون ساخته و افق‌های جدیدی را در برابرمان بگشاید.

امید است که نشریه‌ی نبض حیات همراهی شما بزرگواران را تا انتهای فعالیت با خود داشته باشد.

در پایان از ریاست محترم و مسئولین حمایت‌گر پردیس زینبیه که در تمامی مراحل همراه ما هستند نهایت سپاس را به جا می‌آوریم.

ارادت‌مند شمامه سرپرست نشریه اجتماعی
توسیع ادب نبض حیات
نسرین سعادت



امید داریم با حضور این بررنوانان و یاری دانشجویان عزیز، در جهت پیشرفت هرچه بیشتر دانشگاه، گام‌های موثری برداریم.

♦ تبریک عرض می‌کنیم کسب رتبه دوم استان تهران و پردیس زینبیه را در جشنواره کشوری رویش که شایسته تقدیر شدند. در این جشنواره تعدادی از دبیران کانون‌های فرهنگی و انجمن‌های علمی پردیس، حضور به عمل آوردند و فعالیت‌های فرهنگی خود را ارائه دادند.

♦ شعبه دوم پردیس زینبیه به نام هاروارد زینبیه ۲ بدون میدان قلم، در ورامین تأسیس شد. این هاروارد به صورت بروز ترین سیستم مدیریتی اداره می‌شود. در این مرکز که به دلیل کارکردن دانشجومعلم‌ان در مدارس، شبیه دبیرستان طراحی شده بود، خود دانشجویان مسئول آموزش بودند و فضایی بسیار غریبانه جهت بالا بردن توانایی‌های روحی دانشجویان طراح گشته بود. کارگاه‌ها و جشن‌ها به صورت مجازی و پذیرایی مفصل، آن‌ها را با پیشرفته‌ترین تکنولوژی و از پشت سیستم، در این پردیس برگزار گردید.

فرماندهی تربیتی، هم‌اکنون در مسیر پر فراز و نشیب خود، در فضایی دوستی، علم‌آموزی و شور و شوق نسبت به آینده ایجاد کند معلمی است موفق و کامیاب.

در هر برهه و زمان و متعلقاتی که هستیم باید در مسئولیت خود و چنان کاری داشته باشیم و در محضر پروردگار نباید هیچ کم و کاستی از خود بگذاریم و مشکلات اقتصادی و شخصی خود را دلیل بر این کاستی‌ها و توجیه آنها ندانیم. هر روز، روز معلم است، اما تو ای معلم چه زیبا در یادها می‌مانی، ای که اقبای زندگی را از سرچشمه نگاهت آموختی.

✓ اشتغال در مسیر اشتغال

آری، معلمی اشتغال نیست، اشتغال است، اشتغالی که می‌سوزد، ولی نمی‌سوزاند، دودش همچون عود است و رایحه‌اش جهانگیر. معلم چراغ هدایت است، انسان‌ها را از وادی جهل و ضلالت به سر منزل هستی، هدایت می‌کند، او کشتی نجات است. انسان‌های سرگردان را از دریای پر تلاطم به ساحل آرامش و امید می‌رساند.

۱۲ اردیبهشت، روز بزرگداشت کسانی است که الف قذشان، در راه تعلیم خوبی‌ها خمیده و نام‌شان با عشق و ایثار آمیخته شده است. وصف مقام معلم در یک گزارش نمی‌گنجد، تخته‌سیاه‌ها روزی زبان می‌گشایند و تلاش‌های آن‌ها را شهادت می‌دهند.

نقش و جایگاه معلم در نظام تعلیم و تربیت معلم به عنوان مهم‌ترین عامل نظام تعلیم و تربیت، از نقش و

در هر برهه و زمان و متعلقاتی که هستیم باید در مسئولیت خود و چنان کاری داشته باشیم و در محضر پروردگار نباید هیچ کم و کاستی از خود بگذاریم و مشکلات اقتصادی و شخصی خود را دلیل بر این کاستی‌ها و توجیه آنها ندانیم. هر روز، روز معلم است، اما تو ای معلم چه زیبا در یادها می‌مانی، ای که اقبای زندگی را از سرچشمه نگاهت آموختی.

«معلم» به یادگار ماندنی‌ترین واژه‌ای است که همواره در کنار اهل خرد و اندیشه، در تمام دوران‌ها بر تارک تعلیم و تربیت می‌درخشد؛ همان که در قرآن جلوه‌ای از قدرت لایزال الهی و مختص ذات اقدس او معرفی شده و رسول گرامی اسلام(ص) در اهتت جایگاهش می‌فرماید: «إِنَّمَا بُعِثْتُ مُعَلِّمًا»

معلم باغبان فطرت انسان است. فطرتی که با فطرت الهی سرشته است و رسالتش بیداری انسان‌ها و دمیدن روح معرفت به جان‌های ناآگاه و پرورش گل‌های فطرت و افشاندن بذر معرفت بر مزرعه جان‌ها و تبدیل نهال وجود آدمی به شجره طوبی و تبدیل زندگی وی به حیات طیبه است. همان که امیرالمؤمنین(ع) در مراتب آن می‌فرماید: «مَنْ عَلَّمَنِي خِرْفًا قَدْ صِيرَنِي عَبْدًا» (هرکس چیزی به من بیاموزد، مرا غلام و بنده خویش کرده است). هم او که مقام معظم رهبری(مدظله العالی) در اهتت نقش وی در رشد و بالندگی فرهنگی جامعه می‌فرمایند: «دست توانای معلم است که چشم انداز آینده ما را ترسیم می‌کند. معلم هم باید علم بدهد، هم باید روش تفکر و کار تفکر را بیاموزد. هم رفتار و اخلاق آموزی در کار او باشد.»

[۵] بنات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در دیدار معلمان و فرهنگیان سراسر کشور در هفدهم اردیبهشت ۱۳۹۳

[۶] لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ... (قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۲۱)



و انسان را به مراحلی از کمال می‌رساند که فران از او به عنوان اسوه و الگو نام می‌برد. لذا معلم باید با آگاهی و درایت بتواند به تأثیراتی که مخالف با هدف دقیق و شناخته شده اوست و از دنیای خارج از مدرسه، در ذهن دانش آموزان ایجاد می‌شود، با توسعه ارزش‌های اخلاقی و مدنی، نقشی اساسی در تربیت اخلاقی، اجتماعی و معنوی شهروندان جامعه ایفا کند، تا با ارتقای حقوق انسانی، رفتار آزاد منشانه و تأیید ارزش‌های مورد نیاز عصر، مانند احترام به شأن و مرتبه انسان، سعه صدر، همبستگی و حمایت متقابل، افراد بشر را یاری رساند. چرا که معلم تنها فرد ذی صلاح و ذی نفوذی است که می‌تواند با شناساندن ارزش‌های اجتماعی، از نسلی به نسلی دیگر، آن‌ها را متناسب با اجتماع و در عین حال روشن فکر، متزقی و متجدد بار آورده و نحوه نگرش وی به زندگی را تغییر دهد. در چنین رسالتی است که سنگینی و عمق مسؤولیت معلم آشکار می‌شود. زیرا آموخته‌های وی مستقیماً در خانواده و جامعه منعکس شده و افراد بشر را در ورود بهتر به زندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی یاری رسانده و با پرورش منابع انسانی به توسعه مادی و معنوی جامعه کمک می‌نماید.

شیوه عملکرد آموزش و پرورش یک جامعه، بهترین و نزدیک‌ترین مظهر فرهنگ آن جامعه است. هم چنان که فرهنگ یک جامعه، بی‌تردید چگونگی آموزش و پرورش آن جامعه را نشان می‌دهد. بنابراین حفظ، گسترش و غنی سازی فرهنگ عمومی، از جمله وظایف و نقش‌های بنیادین آموزش و پرورش خواهد بود. بر این اساس، معلم زمانی می‌تواند نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا کند که میان رفتارها، هنجارها و نظام ارزشی او و سایر هنجارهای جامعه، هماهنگی وجود داشته باشد؛ از این رو ساده‌اندیشی است اگر انتظار داشته باشیم که معلم بتواند مستقل از تأثیر سایر خرده سیستمها نقش خود را به خوبی ایفا کند. این نقش بی شک در گرو هماهنگی میان همه‌ی عواملی است که در امر تعلیم و تربیت دخیل‌اند. چنانچه رهبر معظم انقلاب در بیانات خود فرمودند: «همه‌ی دستگاه‌ها در دولت،

بهترین زمان برای پذیرش تعلیم و تربیت، زمانی است که احساس نیاز شکل بگیرد و به اصطلاح درد و یا پرسش در فرد یا جامعه مطرح شود.

البته نقش والدین را در شکل‌گیری این حس (حس نیاز) نباید نادیده گرفت؛ مثلاً همان‌گونه که دیدن برخی از فیلم‌ها باعث بلوغ روحی عاطفی و جنسی در نوجوانان می‌شود، می‌توان با طرح مطالبی درباره خدا و اعتقادات در شکل‌گیری احساس دینی دخیل بود. هیچ اصراری نیست که کودک به شنیدن این مطالب ملزم شود؛ همین‌که کودک در محفل حضور داشته یا در جایی همراهان مشغول بازی باشد و چنان مطالبی را بشنود تأثیر خواهد پذیرفت. باید توجه داشت که بخش عمده‌ای از بسترهای تربیت‌پذیری فرزندان، در خود والدین، آن‌هم قبل از ازدواج شکل می‌گیرد. اسلام عزیز، معتقد است که دختر و پسر به چند دلیل باید قبل از ازدواج، خود را در عرصه باور و شخصیت تقویت کرده و به اصطلاح، خودسازی کنند؛ از جمله این‌که لایق همسر خوبی شوند؛ یا همسر خوبی می‌توان فرزند خوب تربیت کرد. دیگر این‌که ازدواجشان به لحاظ شرعی نیز از صحت کامل بهره‌مند باشد. همچنین پس از این‌که صاحب فرزند شدند، بتوانند به پرسش‌های فرزندشان (به‌ویژه درباره خدا) پاسخ صحیح دهند. اسلام، انتخاب همسر با ایمان و نیز لقمه حلال را از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری صحیح شخصیت فرزندان می‌داند؛ رعایت اخلاق را نیز عاملی مهم در این زمینه برمی‌شمارد. طراوت آموزه‌های اسلامی در این موضوع



نسخه سعادت

کارشناس آموزش ابتدایی

پاسخ مناسب را در نظر بگیرند؛ چه‌بسا کودک پنج‌ساله‌ای که ذهنی قوی و پویا دارد و چه‌بسا فرزندی ده‌ساله که فقط پاسخ سطح اول را برمی‌تابد!

این تفاوت در قوت تحلیل، صرف‌نظر از ظرفیت‌های خدادادی (که گاهی یک کودک نسبت به هم‌سن‌های خود، بسیار باهوش‌تر است)، معلول رشد طبیعی، تجارب محیطی، آموزه‌های رایج اجتماعی و تعادل است. با توجه به این‌که ابزار شناخت در کودک سطح اول، با محسوسات گره خورده و کودک به بازی حواس و رفتارهای حرکتی به اکتشاف محیط می‌پردازد؛ سعی شده پاسخ‌ها در این سطح، تا حد امکان ملموس و عینی باشند؛ یعنی همراه با نمونه عینی‌ای که باعث تقریب ذهن کودک شود. در سطح دوم، مطالب تا حدودی ذهن‌های پویاتر و نیمه استدلالی را در نظر گرفته است و از معلومات رایج استفاده می‌شود.

در سطح سوم و بالاتر، پاسخ‌ها علمی‌ترند و استدلال محور.

چرا خدا رو نمی‌بینیم؟

رقم به پیش مولا، گفتیم خدای من کو؟

خدای خوب و دانا، عشق و منای من کو؟

گفتا که ای عزیزم، او را نمی‌توان دید

مثل هوا و نوری که دیده‌اند ناپدید

در کوه و دشت و صحرا، در آسمان آبی

حرکت نمی‌کرد، درسته؟

بله

پس باد هست، ولی ما نمی‌توانیم اونو با چشم ببینیم. خیلی چیزای دیگه هم هست که وجود دارن، ولی دیده نمیشن؛ مثلاً این گل رو بو کن. چه بویی می‌ده؟

بوی خوبی داره.

تو میتونی این بو رو با چشم‌هات ببینی؟

نه

بوها و صداها هم هستند، ولی ما نمی‌توانیم با چشم‌امون اونا رو ببینیم. پس خیلی چیزا هستن که ما با چشم‌امون نمی‌توانیم اونا رو ببینیم. خدا هم با چشم دیده نمی‌شه. البته درسته که خدا هم با چشم دیده نمی‌شه، ولی با همه‌چیز فرق داره؛ یعنی خدا مثل باد و بو نیست. این مثال‌ها رو برات گفتم تا فقط ذهنت رو کمی روشن‌تر کنم. ایشالله وقتی بزرگ‌تر بشی و چیزای بیشتری یاد بگیری، پاسخ سوالت رو بهتر می‌فهمی.

سطح دوم

در پاسخ سطح دوم، می‌توانیم از مطالب عقلی نیز استفاده کنیم و باب شناخت خداوند سبحان را برای فرزند باز کنیم؛ یعنی هم به سؤال او درباره وجود خدا پاسخ بدهیم و هم او را با شیوهی شناخت سرچشمه مهر و رحمت آشنا کنیم.

کی اونو رو درست کرده؟

خدا

به نظرت کسی که این همه ستاره و آسمون به این بزرگی رو درست کرده، قدرتش زیاده یا کمه؟

...خیلی زیاده.

یه سوال دیگه: اسم چند تا میوه رو می‌تونی بگی؟

سیب، گیلان، انگور، موز، پرتقال، کیوی، انار، هندوانه و...

به نظر تو، کسی که انواع میوه‌ها رو برای ما درست کرده، مهربونه یا نه؟

...آره مهربونه.

یه سوال دیگه: نقاشی صورت آدم که می‌کشیم، براش ابرو بذاریم قشنگ‌تر می‌شه یا ابرو نذاریم؟ ...بذاریم.

به نظر تو، چرا خدا برای ما ابرو گذاشته؟

...تا زیباتر بشیم.

خداوندی که به فکر ما بوده تا ما زیباتر بشیم، مهربونه یا نه؟

...نه.

آیا همه چیز این‌طوره؟ آیا هر چیزی که وجود داره به وسیله نور، قابل دیدن می‌شه؟ خیلی چیزا هستند که بدن ندارن و اصلاً جسمی ندارن تا با نور دیده بشن؛ مثل هوا، صداها، امواج تلویزیون و خیلی چیزای زنده که دیده نمی‌شن؛ مثل فرشته‌ها و روح انسان‌ها.

می‌دونی چه نیرویی باعث می‌شه که یک سیب وقتی از درخت جدا می‌شه، روی زمین بیفته؟ ...نیروی جاذبه.

درسته؛ اما یه سوال: آیا ما می‌تونیم نیروی جاذبه رو ببینیم؟ همون نیرویی که ما رو روی سطح زمین، محکم نگه داشته و اگه نبود، ما به فضا پرتاب می‌شدیم؟

...نه.

درست مثل آهن‌ریا که چیزای آهنی رو با نیرویی به سمت خودش جذب می‌کنه و ما اون نیرو رو با چشم نمی‌بینیم. حتماً اینو می‌دونی که از نظر علمی، هر کاری که در عالم انجام می‌شه، انرژی انجام می‌شه.

...بله، می‌دونم.

آیا ما می‌تونیم انرژی رو که وجودش برای همه کارها لازمه، با چشم‌مون ببینیم؟

...نه.

سطح چهارم

اگه منظور از دیدن، دیدن ظاهری و با چشم باشه، خدا رو هرگز نمی‌شه دید؛ هم به دلیل عقل و علم، و هم به دلیل شرع. امام حکم عقل و علم؛ دیدن ظاهری، از طریق مواجه شدن چیزی با چشم و انعکاس امواج نوری صورت می‌گیره؛ یعنی اولاً باید جسمی باشه، و ثانیاً یا رودرویی و هم‌چنین اون جسم با چشم اتفاق بیفته. به همین دلیل، چشم ما اشیاى پشت سر رو نمی‌بینه؛ درحالی‌که خدا نه جسمه و نه ویژگی‌ها و خصوصیات جسم (مثل رودرویی) رو داره. بنابراین هرگز با چشم سِر دیده نمی‌شه، اما به حکم شرع: قرآن و روایات صریحاً دیدن ظاهری خدا رو غیرممکن می‌دونه. در قرآن اومده: «لا تدركه الابصار»

چشم‌ها او را نمی‌بینند. و در روایات اومده: «وامتنع علی عین البصیر»؛ خداوند هرگز برابر چشم بینندگان ظاهر نمی‌شود. یا: «لا تدركه العیون بمشاهده العیان»؛ دیده‌ها هرگز او را آشکار نمی‌بینند. ولی اگه منظور از دیدن، دیدن باطنی باشه، البته به مقدار ظرفیت استعداد و توان انسان‌ها، قابل دیدنه؛ چنان‌که امیرالمومنین علیه السلام به ذعلب فرمود: «خدایی را که ندیدم، هرگز نپرستیدم.»

با عقل و فکر و از روی نشونه‌هاشون به اونا پی برد. به این نکته هم دقت کن که: دیده نشدن، دلیل بر نبودن نیست.

...پس چرا عده‌ای او را (خدا را) قبول ندارند؟ در دنیا، آدم‌هایی که وجود خدا را انکار می‌کنند، دو تکیه‌گاه بیشتر ندارند:

۱. ایراد گرفتن به دلایل اثبات کنندگان وجود خدا؛ ۲. محسوس نبودن خدا؛ یعنی این‌که ما خدا را احساس نمی‌کنیم (با حواس پنج‌گانه) و نمی‌بینیم، پس خدا وجود ندارد.

درباره‌ی اولین تکیه‌گاهشان باید گفت، ایراد گرفتن به دلیل، خودش دلیل نیست؛ پس به تکیه‌گاه دوم آن‌ها می‌پردازیم و می‌گوییم: اگر محسوس نبودن یک حقیقت، دلیل بر نیستی و نبودن آن باشد، پس اولین حقیقتی که باید انکار شود، همین قوانین اداره‌کننده‌ی طبیعت است (مثل جاذبه) که هرگز محسوس نیستند، بلکه ما با عقل و علم، آن‌ها را درک می‌کنیم و پی به وجود آن قوانین می‌بریم.

پس آنچه وجود داره، ولی دیده نمی‌شود، با عقل و علم ما و از روی نشانه‌ها و آثارش شناخته می‌شود.



مربیان طفل، یعنی پدر و مادر پیاموزد. ازاین رو، می‌کوشیم تا از میان رهنمودهایی که در زمینه تعلیم و تربیت دینی کودکان ارائه شده است، دو شیوه عملی مهم و اساسی را معرفی کنیم و سپس به شرح و بیان هر کدام بپردازیم. اولین راهکار، درباره راه‌های ایجاد شوق و رغبت در کودکان و نیز موانع آن بحث می‌کنند.

راهکار دوم، اصل تشویق و پاداش است که از اینها به عنوان دو ابزار مؤثر برای تقویت نیروی مربی یاد می‌شود و به بحث درباره میل روانی بشر به تشویق و پاداش می‌پردازد.

تربیت کودکان از راه ایجاد میل و رغبت در آنها

هر حرکتی که از انسان سر می‌زند، در قالب یکی از چهار شکل زیر صورت می‌گیرد:

(الف) حرکت غریزی که تابع غریزه است؛ مثل گنجشک که در فصل بهار لانه می‌سازد و اراده و عقل ندارد.

(ب) حرکت انعکاسی که در واقع واکنشی است که موجود، در برابر پاره‌ای از تحریکات از خود نشان می‌دهد و در این شکل هم اراده‌ای لازم نیست.

(ج) حرکتی است از نوع حرکات عادی که نتیجه عادت‌های ما محسوب می‌شود.

(د) دسته آخر، حرکات ارادی هستند که مهم‌تر از سه نوع پیشین است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله: «الولد الصالح ریحانة من ریحان الجنة، فرزند صالح، گلی از گل های بهشت است».

انسان هنگام تولد، موجودی ناتوان و نیازمند به پرستار، ولی دوست داشتنی و با یک سلسله استعدادهای مختلف است که با تولد خویش، به زندگی پدر و مادر رونقی تازه و گرمی و صفا میبخشد و ساعت‌ها آنان را سرگرم خود می‌سازد.

از همین لحظات آغازین زندگی یک کودک با پرورش جسمی و روحی او، آینده و سرنوشت او نیز رقم می‌خورد. کودک برای اینکه بتواند انسانی مستقل، اجتماعی، تکامل یافته و دارای صفات و ملکات نیکو گردد، نیاز به یک مربی شایسته و پرهمت دارد تا استعدادها و توانمندی‌های او را به ثمر برساند.

مربیان طفل، از جمله پدر و مادر او، معلم و یا بزرگان او موظفند گام به گام، او را به شاهراه ترقی و تکامل هدایت کنند و بازیگر او باشند تا آنجا که بتواند تا حدودی مستقل از آنان پیش رود و در دوره آزمون زندگی، به صورت فردی با تجربه درآید که شلاق عادات و سنن زشت، روح و ذهنش را مکدر نسازد.

این نوشتار بر آن است تا راهکارهای تربیت دینی کودک را به

هفته خویش هستند و عامل به لغاترسان نیستند، انجیزهای برای این کارها پیدا نمی‌کند. در روایت‌های گوناگون حتی در قرآن کریم نیز توصیه شده است که آنچه را می‌گویید، خودتان هم عمل کنید: «لم تقولون ما لا تفعلون، چرا آنچه را می‌گویید، انجام نمی‌دهید».

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کونوا دعاة الناس بغیر السننکم؛ بکوشید به وسیله اعمالتان انسان ها را به نیکی‌ها و خوبی‌ها دعوت کننده باشید».

نقل است که شخصی پسر خودش را پیش یحیی بن اکثم، قاضی القضاات زمان مأمون الرشید عباسی برد و گفت: پسرم نماز نمی‌خواند، تربیتش کن و نصیحتش کن نماز بخواند، قاضی نصیحت کرد: جوان چرا نماز نمی‌خوانی، نماز فریضه دینت است، مسلمان باید نماز بخواند و از این سخن‌ها بسیار گفت. پسر گفت: من نماز می‌خوانم، پدرم دروغ می‌گوید. پدر به قاضی گفت: نخیر، من دلیل دارم که نماز نمی‌خواند، ایشان حمد و سوره هم بلد نیست. پسر گفت تخریر حمد و سوره را هم بلدیم. پدر گفت: سؤال کن قاضی، بپرس ببین حمد و سوره را می‌تواند بخواند یا نه؟ که پسر شروع کرد به خواندن مصرع تصنیفی و گفت:

عَلَى الْقَلْبِ الرِّبَايَا مَا شَبَّ وَ شَابَا إِنَّ حَكْمَ اللَّهِ حَقٌّ لَا إِرَادَةَ الْإِرْتِيَابِ

تربیتی در این دوره پیش می‌آید و بیشتر در همین دوره است که فرزندان یا از دست می‌روند یا در مسیر سعادت گام می‌نهند، برخی از بحران‌های که نوجوان با آن دست به گریبان است عبارت اند از:

۱. بحران هویت

آدمی با پشت سر گذاشتن دوره کودکی به بحران هویت دچار می‌شود. پرسش‌های متعددی فضای ذهن و فکر او را به هم می‌ریزد و دنبال پاسخ آنها می‌گردد. جهان بینی و هویت نوجوان با یافتن پاسخ هایی مناسب برای سوالاتش شکل می‌گیرد و اگر جواب این سوالات را دریافت نکند، دچار احساس پوچی، از خود بیگانگی، تنهایی، غربت و بی‌پناهی و عدم برقراری ارتباط صحیح با دیگران می‌شود و این وضعیت برای نوجوان بسیار خطرناک است و او را دچار بحران هویت می‌کند.

۲. بحران بلوغ

از یک سو انگیزه‌های غریزی و در راس آنها میل جنسی و نیز انگیزه‌های عاطفی هر لحظه او را به سویی می‌کشد و تعادل روانی او را به هم می‌زند و از سوی دیگر انواع تردیدها و دودلی‌ها او را با بلاکلیفی درآوردی رویه رو می‌سازد. در این میان آنچه بیش از همه برای نوجوان محسوس است، ایهام و سردرگمی است.

و پس از آن را در چارچوب ترمیم‌های فراقی، سیره پیامبر و امامان معصوم به بحث می‌گذارد. راهکارهای بهینه‌سازی فرایند پرورش دینی در خانواده، در قالب بحث‌هایی همچند پیشگیری از تحریکات جنسی کودکان، ابراز مهر و محبت، تأمین امنیت، تکريم و احترام فرزندان و بازی کودکان دنبال شده و پس از طرح عمده‌ترین عوامل ضعف و کاستی تربیت دینی فرزندان و آسیب‌شناسی آموزش دینی، به برخی از روش‌های درست برخورد با نوجوانان اشاره شده است.

❖ شایسته است والدین در تربیت دینی نوجوان امور زیر را مراعات کنند:

۱. برگزاری مراسم جشن تکلیف
۲. ترغیب فرزندان نوجوان به اعمال عبادی از قبیل نماز و روزه و مانند آن.
۳. تبیین گستره دین برای نوجوانان

والدین در تربیت دینی کودکان و نوجوانان باید به این نکته مهم توجه داشته باشند و فرزندان خود را از آن آگاه سازند تا گمان نکنند دین در برخی واجبات عبادی خلاصه می‌شود، بلکه همچنان که به نماز و روزه اهمیت می‌دهند، باید به راستگویی، امتداری، خیرخواهی، وظیفه شناسی و مانند آن نیز بها دهند و همه آنها را از وظایف دینی خود بدانند.

۴. تنها نگذاشتن نوجوانان

پدر و مادر نباید فرزند نوجوان خود را در حل و فصل مسائل فکری دوران نوجوانی و یافتن پاسخ پرسش‌های اساسی تنها بگذارند، بلکه باید به روش منطقی آنها را در حل مسائل خود یاری رسانند.

۵. صمیمیت و رفاقت

۶. پذیرفتن نوجوان

بهینه سازی تربیت دینی فرزندان و پیشگیری از آسیب‌ها و انحرافات تربیتی و ساز و کارهای تربیتی اسلام جهت درک بیشتر لذت دینی دغدغه ذهن و دل همه پدران، مادران و مربیان دلسوز جامعه است. آمارهای نگران‌کننده آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی، حساسیت همه را برانگیخته و آنان را با این پرسش اساسی مواجه کرده که چه کاری باید انجام دهند؟ این دغدغه‌ها ما را بر آن داشت که به سراغ یکی از صاحب‌نظران علوم تربیتی و کارشناسی آموزش و پرورش کشور رفته و پرسش‌ها را در چند نشست با ایشان در میان بگذاریم. اینک بخشی اول این نشست در موضوع فرایند تربیت دینی فرزندان در خانواده تقدیم می‌گردد.

❖ تربیت دینی از حیث علوم تربیتی، چگونه مفهوم‌شناسی می‌شود؟

مجموعه اقدامات رفتاری و گفتاری که به تربیت و سامان‌یابی

ما اهل بیت و خاندان نبوت (ص) را الگو و مدل زندگی خود بداند و پای در راه آنان بگذارند. بسترسازی و هموارسازی این الگوپذیری، در آموزه‌های دینی به صورت پابندی به دستورهای و آداب مستحب ویزهای آمده است. شاید به سادگی نتوان برای برخی از این آداب، معیار و توجیه علمی پیدا کرد اما تأکید و عملکرد خود اهل بیت (ع) و توجه به پیامدهای مثبت آن، نشانگر لزوم پابندی به این آداب است.

بنابراین، اگر هنگام بررسی تربیت دینی، گاه با بحران دین‌گزینی بعضی از جوانان و نوجوانان روبرو می‌شویم، باید در جمع بندی و داوری خود، بی‌توجهی به برخی از بسترهای تربیت را نیز به حساب آوریم. بسیار مهم است که در بررسی و مطالعه فرایند تربیت دینی، به بسترها و زمینه‌هایش نیز توجه کنیم. بسیاری از چالش‌ها و بحران‌های بزرگی که امروزه با آن مواجهیم، دستاورد و پیامد نادیده‌انگاری کارهای کوچکی است که در روانشناسی به آن «کوچک‌های بزرگ» گویند.

منبع

پرتال جامع علوم انسانی

فرایند تربیت فرزندان دراندیشه دینی

نویسندگان: عباسعلی شاملی

منبع: مطالعات راهبردی زنان ۱۳۸۳ شماره ۲۴

از عوامل و مولفه‌هایی که سبب می‌شود دانش‌آموزان درس دینی را خسته کنند به‌پندارند:

- (۱) اهتمام اندک خانواده‌ها به تربیت دینی کودکان
 - (۲) مربیان و معلمان غیر متخصص و کارنازآموده
 - (۳) بی‌اعتنایی به اقلات غیرمنطقی دانش‌آموزان
- راه حل‌های ایجاد جذابیت در درس دینی با وجود تمام این مشکلات چگونه باید برخورد کرد؟

برنامه‌های متنوع و جذاب جانبی گرچه می‌تواند مفید باشد اما به طور کلی مشکل آموزش درس دینی را حل نمی‌کند و شاید در پاره‌ای از موارد نتیجه منفی به دنبال داشته باشد و آن اینکه جذابیت مسابقه و کارهای تفریحی اهمیت بیشتری نسبت به محتوای اصلی درس دینی پیدا کند و درواقع دانش‌آموزان اصل مطلب را دریافت نکنند.

و کنفرانس برای مداخله هر چه بیشتر دانش‌آموزان در روند تدریس می‌توانیم استفاده کنیم.

از مکان‌های متنوع در مدرسه برای برگزاری کلاس‌های دینی استفاده کنیم و حتی الامکان از مکان‌های زیارتی به عنوان اردوی تفریحی و علمی نیز میتوان بهره برد.

خواندن داستان‌های قرآنی و مذهبی با اجرای نمایش خلاق و صداهای مختلف و همچنین استفاده از خود دانش‌آموزان نیز تاثیر کار را زیاد و دو چندان می‌کند.



زهرای عباسی

کارشناس آموزش ابتدایی

چرا برخی دانش آموزان از مدرسه می ترسند؟



مینا ریعی

کارشناس آموزش ابتدایی

تنبيه و تحقير آن‌ها كنيم. به‌عنوان مثال اگر نتيجه منطقي و طبيعي رفتار آنها را پرايشان توضيح دهيم تا حدودي تاثيرگذار است و آنها از عملکرد منفي خودداري مي‌كنند. مثلاً اگر در فصل زمستان لباس گرم نپوشيد سرما مي‌خوريد يا اگر مطلب رياضي را ياد نگيريد نمي‌توانيد در بازي مربوط به آن شركت كنيد. دانش‌آموز اگر بداند رفتار او هزينه‌هايي پرايش دارد كم كم به رفتار مثبت عادت مي‌كند.

معلم مي‌تواند با جايزه دادن به رفتارهاي مثبت(جايزه دادن بايد به‌صورت متعادل باشد و زياده روي در آن باعث بي‌ارزش شدن كارهاي خوب مي‌شود) و چشم پوشي از برخي اشتباه هاي كوچك و گرفتن توجه از كودك هنگامی که رفتار او نامناسب است و برگرداندن توجه هنگامی که دانش‌آموز متوجه اشتباهش شد و رفتارش را اصلاح كرد بخش زيادي از مسير تربيت كودك را هموار كند.

ايجاد اعتماد متقابل و فراهم كردن شرايط براي گفتگو مي‌تواند تاثير خوبي در عملکرد كودك بگذارد.

حفظ خونسردی ما هنگامی که دانش‌آموز اشتباه می‌کند بسیار مهم است زیرا می‌تواند اضطراب دانش‌آموز را بکاهد و می‌توانیم با هزاران راه خلاقانه منفي بودن عملکرد دانش‌آموز را به او يادآوري كنيم.

توسيه‌هايي براي بهبود روند درمان اضطراب جذابي خوانديم. امروزه روش‌هاي نويني براي درمان مدرسه هراسي توسط روانشناسان ابداع شده كه با مهارت كافي آن‌ها را به كار مي‌گيرند تا روند درمان طي شود. شايعسته است ما به‌عنوان معلم وظايف خود را در قبال رشد و شكوفايي هرچه بهتر كودك با وجود مسائل مختلف انجام دهيم و كمك‌هاي اصلي را از روان درمانگر بگيريم.

اضطراب در هر سطحي مي‌تواند بسيار مخرب و باعث ايجاد زمينه براي ساير اختلالات رواني باشد. ما با توجه به نقش اساسي خود مي‌توانيم راههاي ارتباط مناسب با كودك را استفاده كنيم تا محيط كلاس درس براي او دلنشين باشد نه پر از دلهره و اضطراب.

منابع:

كتاب نظريه‌هاي يادگيري ترجمه سيف

مقاله شناخت و درمان ترس از مدرسه علي رشيدی

مقاله فوبيای مدرسه و بيماريهای ناشی از آن. دكتر علي قائمي

مقاله ترس از مدرسه. دكتر فریدون زرغام

سال تحصیلی معلم ادبیات جدیدی به نام جان کیتینگ به آن ورود پیدا می‌کند. و برای دانش‌آموزان خود از زندگی سخن می‌گوید. در جریان فیلم مشکلات متعدد و گوناگون دانش‌آموزان در محیط تحصیل و زندگی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در دبیرستان والتون فضای خفقان و خشک حاکم است و مدام به دانش‌آموزان تاکید می‌شود باید درس بخوانند تا بتوانند در دانشگاه رشته‌های پزشکی و حقوق و مهندسی تحصیل کنند. مدرسه و پدر و مادرها بدون توجه به علائق و خواسته آن‌ها می‌خواهند نظریه‌ای آنها را برای دانشگاه آماده کنند.

در شرایطی که هر معلم کلاس را خشک و جدی آغاز کرده کیتینگ سوت زنان کلاس را در سالن تشکیل می‌دهد و با خواندن شعر مرگ را یادآور می‌شود و به دم را غنیمت شمردن اشاره می‌کند. «غنچه های گل سرخ را کنون که می‌توانی برچین زمان سالخورده در گذر است و همین گلی که امروز لیخند می‌زند، فردا خواهد مرد.»

زمانی که ادبی به مرگ فکر می‌کند به ارزش زندگی بی می‌برد و ترس و نگرانی جای خود را به جرئت و جسارت می‌بخشد تا آنطور که باید زندگی کند و از آن لذت برد. «تا آن هنگام که مرگ به سراغم می‌آید نیندارم که نزیسته‌ام».

کیتینگ در هنگام ورود شور و حالی برپا می‌کند و بر دل دانش‌آموزانش به مثابه یک ناخدا جای می‌گیرد. او رویکرد آموزشی متفاوت و جذابی دارد که با شخصیت دوست داشتنی او هماهنگ است. کیتینگ بر خلاف نظام آموزشی حاکم در این دبیرستان آموزش و پرورش را یادگیری اندیشیدن می‌داند، یادگیری تفکر مستقل.

دانش‌آموزان کلاس هر یک دارای روحیه و شخصیت، نیازها و استعدادها می‌باشند. کیتینگ با در نظر گرفتن این تفاوت‌ها به هر کدام توجه ویژه و متناسبی دارد. تفاوت‌هایی که نظام آموزشی، جامعه و حتی خانواده‌ها غالباً به آن توجهی نمی‌کنند؛ زیرا دانش‌آموزان را همچون ربات‌هایی می‌پندارند. ربات‌هایی

مهم و یگانه‌ای که در درونشان هست ایمان داشته باشند. حتی اگر دیگران به شما بقبولانند که این باورها عجیب و غیر معمولی و از دانش‌آموزان می‌خواهد به شیوه خودشان راه بروند هرطور که دلشان می‌خواهد، چه به آن‌ها غرور بخشد و یا آن‌ها را احق جلوه دهد. او به آن‌ها می‌آموزد خواسته‌های خود را مطرح کنند، از علاقه‌ها و اشتیاق و احساساتشان حرف بزنند و آن‌ها را سرکوب نکنند.

کیتینگ می‌گوید جرات داشته باشید و از زندگی لذت ببرید، همین زندگی را فوق‌العاده می‌کند.

سراسر این فیلم پر از نکات روانشناختی و تربیتی و جملات و اشعار ناب درباره مفهوم زندگی است.

این فیلم زیبا را به تماشا بنشینید.

زهرالقدر کتانی
کارشناس آموزش ابتدایی



«ریاضی، جوست را جمع کن تا دوباره ریاضی را به نسو».

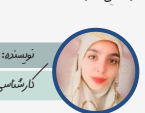
اما خانم معلم من همین ده را هم به زحمت گرفتم و شب‌ها زیر پلکم گذاشتم تا از شدت خواب روی هم نیفتد. آخه می‌دانید اگر می‌خواهید تمام آن اعداد و اعشار و ضرب و تقسیم را توی خوابم می‌دیدم و رویاهایم تبدیل به کابوس می‌شد. من آن شب‌ها را بیداری کشیدم و ضرب کردم و تقسیم کردم و دوباره همین روند تا طلوع صبح ادامه داشت.

مادر من می‌گوید که من در بهار چشم به جهان گشودم. بهار هم اولین فصل سال است و این یعنی آغاز دو جانبه. حالا اگر این آغاز را ضرب در محبت کنیم و منهای سردی و تلخی زمستان جواب ما می‌شود شادایی بهار. اما شما این شادایی را از جاتم بیرون کشیدید، پاره پاره کردید و در سطل زباله ریختید و آقای خادمی هم زباله را تحویل رفتگران لباس نارنجی داد و آنها با کامیونی که دود سیاهی داشت با خود بردند و من ماندم و مسئله‌ای که جواب ندارد. می‌دانم شما اینکار را کردید تا من به درس گوش کنم و نمره‌ی ریاضی-ام بیست شود اما همه چیز بدتر شد. حالا یاد زهر نیست و هرچه مانده زهر است. من نمی‌فهمم...

شما به من گفتید دیگر روی صندلی کنار پنجره نشینم و پنجره را بستید و برده را کشیدید. و من ماندم و حسرت نگاه کردن به گل و گرفتن جان دوباره از بهار و آغاز شدن. فردا امتحان ریاضی داریم و من مطمئنم که بیست هم شوم خوشحال نمی‌شوم چه فایده وقتی دیگر بهاری در من نیست.

دیگر نمی‌توانم گل‌ها را ببینم. گل‌ها در باغچه‌ی خانه‌ی آقای خادمی است و رنگ تفریح اجازه نداریم آنجا برویم. خانم معلم شما می‌دانید که گل‌ها چه زحمتی می‌کنند تا رشد کنند و گل شوند؟ من نمی‌دانم و خیال می‌کنم شبیه زحمتی است که من برای امتحان ریاضی می‌کنم.

بیش از این زحمتان نمی‌دهم و چشمتان را خسته نمی‌کنم؛ می‌دانم که قرار است کلی بره‌ی امتحان ریاضی صحیح کنید. فقط از شما می‌خواهم اینبار به گل‌ها نگاه کنید شاید بهار دفعه‌ی بعدی اینقدر زیبا نباشد.



نوسیده مهر سارابه
کارشناسی آموزش ابتدایی



تصورولو معصومه نعمتی
کارشناسی آموزش ابتدایی

تدریس فرایندی پویا است که همچون ساختمان سازی نیازمند ابزار و مصالحی است. در تدریس، با دانش آموزانی مواجه هستیم که ذهنیتی فعال دارند و برای آموزش به آنها باید از روش‌ها و ابزارهای نوین و بروز استفاده کرد.

البته، تدریس، فرایندی نیست که صرفاً در مدارس دنبال شود. این مهم، در خارج از مدرسه از طریق موسسات خصوصی نیز دنبال می‌شود. می‌توان گفت: تدریس جنبه‌های متفاوتی دارد که یکی از آن جنبه‌ها، درآمدزایی آن است.

یکی از روش‌های کسب درآمد از تدریس، تدریس به صورت خصوصی است. می‌توان گفت، موسسات، با استفاده از جذب معلمان، جزیانی ایجاد نموده‌اند که هم به واسطه آن درآمدی برای خود کسب کنند و هم از تدریس، شاخه‌ای جهت کسب درآمد بسازند.

امروزه، موسسات خصوصی از قبیل آموزشگاه‌های زبان و موسسات مربوط به کنکور، تدریس خصوصی و خارج از مدرسه را تبلیغ می‌کنند که موقعیتی مناسب برای معلمان ایجاد کرده تا علاوه بر تدریس در مدارس، از این طریق نیز کسب درآمد داشته باشند.

یکی دیگر از روش‌های کسب درآمد از تدریس، تدریس آنلاین می‌باشد. سایت‌هایی مانند اسکای روم و... فضایی فراهم می‌کنند تا طالبان جمعی مسئله و علمی، زمینه را برای تدریس آنلاین فراهم آورند. و این چنین، به صورت مجازی نیز می‌توان از

تدریس، درآمدی کسب کرد که امروزه استقبال از این شیوه هم برای مدرسين و هم برای طالبان آموزش بیش از پیش است. از دیگر روش‌های کسب درآمد از تدریس، برگزاری وبینار و سمینارهای آموزشی است. برای بالا بردن خواهان تدریس‌های خود می‌توان با استفاده از شیوه‌های جذاب و پرمحتوا، شاگردان زیادی را جذب کرد و همچنین از طرف موسسات و مراکز مختلفی درخواست تدریس داشت.

اینگونه، تدریس هم برای معرفی شما به عنوان معلم و آموزش دهنده‌ای موفق خواهد بود و هم زمینه‌ای برای کسب درآمد و از سوی دیگر، یادگیری بهتر را در فراگیران ایجاد خواهد کرد. باید توجه داشت که در تدریس، آنچه مهم است، یادگیری مطلوب و عمیق است. تدریس به عنوان روشی برای کسب درآمد، نباید این هدف را مانع شود که شما به دلیل اهداف مالی، از جنبه‌های مهم یادگیری و یاددهی و انگیزگی تدریس و محتوا بر مخاطب چشم پوشی کنید.

این خود یکی از روش‌های کسب درآمد از تدریس است.

اگر رضایت افرادی که برای آنها تدریس می‌کنید از کار شما بالا باشد، این زمینه را برای کسب درآمد بیشتر و درخواست‌های حضور در آموزشگاه‌های مختلف و تدریس حضوری و مجازی بیشتر برای شما فراهم می‌آورد. بلیط اعتماد دیگران را از دست ندهید.

از راه‌های دیگر کسب درآمد از تدریس، این است که می‌توان

به انتشار فیلم‌های آموزشی درسترزهای مختلف اینترنتی را شبکه‌های اجتماعی اشاره نمود. نکته مهم در این روش، کیفیت فیلم‌های آموزشی است.

بنابراین شما باید دقت داشته باشید برای کسب درآمد از این روش در تدریس، فیلم‌های آموزشی با کیفیت مناسبی را تهیه کنید.

در «فرادرس» شرکت کنید. فرادرس با شعار فراتر از یک کلاس درس، نوعی دانشگاه مجازی در ایران است که به شما اجازه می‌دهد بدون پرداخت هزینه اولیه، فیلم‌های آموزشی خود را برای فروش در آن قرار دهید. این روش نیز برای کسب درآمد از تدریس مناسب است و باعث بالا رفتن تعداد دانشجویان شما و همچنین درآمد بیشتر شما از طریق تدریس می‌شود.

یکی دیگر از روش‌های کسب درآمد از تدریس، همکاری با ذهن خود است. هرچه ایده‌های قوی‌تر و خلاقیت بیشتری در تدریس خود به کار بگیرید، در کسب درآمد از تدریس موفق‌تر خواهید بود.

متفاوت بودن، برابر است با خاص بودن. سعی کنید از شیوه‌های سنتی که مخاطبان آن را نمی‌پسندند و دیگران بیشتر به آنها روی می‌آورند دوری کنید. ایده‌های خلاقانه خود را با ابتکار و روش‌های متفاوت و نو همراه سازید.

اولین رکن در موفقیت، اعتماد است. مخاطب برای اینکه به شما و روش تدریستان اعتماد کند، باید با کار شما آشنا شود و

آن را ببیند. می‌توانید برای ایجاد اعتماد، وبینار رایگان برگزار کنید.

کوچینگ: با برگزاری جلسات کوچینگ، فرد را به خودشناسی هدایت کنید و از این طریق، خودشناسی و شناخت نقاط ضعف و قوت و... را به افراد آموزش دهید و از این طریق، کسب درآمد کنید.

ایجاد زنجیره دانش: با همکاری با دیگر مدرسان، تدریس‌های زنجیره‌ای ایجاد کنید و پلی ارتباطی میان دروس مختلف ایجاد کنید. تدریس موفق، ابتدا با هدف ایجاد آگاهی و بینش و یادگیری صورت می‌گیرد و در کنار آن می‌تواند انگیزه مالی نیز داشته باشد. با توجه به روش‌های نام برده شده، می‌توان از تدریس، عنصری برای ایجاد یادگیری در مخاطب و کسب درآمد برای مدرس ساخت. بنابراین، تدریس پلی ارتباطی میان یادگیری بهتر و یاددهی بهتر است که با شیوه‌های نوین می‌توان از آن درآمد نیز کسب کرد.

منابع :

memarizeendegi.com
Teaching.iranmodarres.com
domya-e-egtesad.com

سرمد، قادر، ۱۳۸۲، هنر تدریس

موسی پور، نعمت الله، ۱۳۸۳، مفهوم تدریس و پرش‌های اساسی آن

فصل پنجم



این نیاز آغاز راه رویش و پروردهی ست
از سر آغاز بشر تفهیم راز زندگی است
سینه بر سینه معلم نقل قول فکر کرد
رنجش شیرین خوردا بر میدان ذکر کرد
یک معلم یک رسول مفتخر و بی ریاست
شغل او گنجینه ی حکمت و راه انبیاست
چون نهالان بلند آوازه بر مکتب نشند
در سر هر برگه از گیتی حکایت میکشند
این رسالت از خداداننده آمد بر رسول
ای معلم برگزیده آدم عقل عقول
نزد یزدان جایگاهت دم ب دم افزودنیست
این رسالت آدمان خاص را پخشودنیست



شاعر: بهار الماسی گلستان

کارشناسی آموزش ابتدایی



نمودار زینب آسور

کارشناسی آموزش ابتدایی



مصاحبه ویژه روز معلم

مصاحبه با ابراهیم هداوند میرزایی، استاد ادبیات
دانشگاه فرهنگیان پردیس زینبیه پیشوا

زهرا عباسی

کارشناسی آموزش ابتدایی



سخنهای کار معلمی از نظر شما چیه؟

جمعیت زیاد کلاس‌ها که حداکثر باید ۵۲ نفر باشد یای در مدارس ایران خیلی بیشتر است، در ادامه دخالت و مداخله بی‌علت خانواده‌ها در کار معلم که شاید از عوامل آن فقر فرهنگی باشد. مورد بعدی دغدغه معیشتی معلمان که متأسفانه سبب بی‌انگیزگی می‌شود، مخصوصاً معلمان پایه اول که خشت اول آموزش و یادگیری را می‌گذارد و باید حقوق این دسته عزیزان در خور منزلت آنها باشد. نامهربانی از سوی جامعه نیز از دیگر دلایل است. روز معلم مخصوص یک روز نیست، بلکه هر روز معلم تخصصی است. از دیگر چالش‌ها استخدام و گزینش نامناسب معلمان است. بلکه بنده معتقدم باید از طریق دانشگاه تربیت معلم وارد حرفه معلمی شوند و اگر از طریق دیگر وارد می‌شوند باید حداقل دوسال در دانشگاه‌های فرهنگیان مهارت کسب کنند و صرفاً مدرک معتبر از دانشگاه‌های مطرح کافی نیست.

را ببورد و دانش‌آموزان را صف کردم و هنگامی که می‌خواستیم برنمشان، شلنگ را آرام روی دستش گذاشتم و بوسه‌ای بر پیشانی آنها زدم و اینکار سبب گریه کردن آنها شد به طوری که اگر چندین بار با شلنگ می‌زدم اینگونه گریه نمی‌کردند. این کار سبب شد آن شاگرد در انتهای سال شاگرد ممتاز شود.

در حال حاضر به نظر شما چه مسئله‌ای معلمان را تهدید می‌کند؟

چیزی که سبب رنجش معلمان شده، نامهربانی از سوی جامعه و دولت است و درواقع معلم را زیادی می‌دانند و از عوامل تهدید کننده سیستم آموزشی، نحوه نادرست جذب معلمان است و رشته تحصیلی آنها با کارکرد آنها همخوانی ندارد و این عامل نگران کننده است. تعداد زیاد دانش‌آموزان در کلاس و تنوع مدارس در کشورمان نیز یک چالش دیگر است که امیدواریم در آینده تمام این مدارس یکسان شود و ما باید بهترین و باسواد ترین معلمان را برای مقطع ابتدایی استفاده کنیم تا سبب پیشرفت جامعه شوند.

پاسخ جدول شماره‌ی دهم

۱. جان اشتاین بک
۲. جین ویستر
۳. رهی معیری
۴. مونه سوری
۵. مطهری
۶. محمدعلی رجایی
۷. باهنر

برای انتشار مطالب خود در نشریه نبض حیات کافی است، مطالب خود را به همراه نام و نام خانوادگی، رشته و محل تحصیل خود برای سردبیر نشریه ارسال کنید.

همچنین شما می‌توانید در شبکه‌های مجازی پردیس زینبیه جدیدترین شماره‌های نشریه را دانلود و مطالعه کنید.

 @nabzehayat_cfu

 @nabzehayatnh

 @N_saadati: آیدی سردبیر:

